

## به نماینده‌ای که امضای استیضاحش را پس بگیرد، نمی‌توان اعتماد کرد

- با هر عبتکی که به فضای سیاسی مجلس و دولت درباره استیضاح وزیر صمت نگاه کنیم، می‌توان گفت پارامتر سیاسی و نزدیکی به فضای انتخابات مجلس دوازدهم یک عامل تعیین کننده است.** با این حال چرا استیضاح یک وزیر باید به یک زورآزمایی سیاسی ختم شود؟ مجلس یازدهم به دلیل اینکه از یک پشتوانه مطلوب مردمی برخوردار نیست، نمی‌تواند در برابر منافع دولت، وظایف نظارتی خود را به‌درستی و با قدرت انجام دهد. مضافا اگر مجلس یازدهم، حتی با آرای پایین یک مجلس حزبی می‌بود و یک حزب یا احزابی در بیرون از مجلس با شناسنامه مشخص سوسی از نمایندگان خود در مجلس حمایت می‌کردند و این احزاب در قبال عملکرد خود و نمایندگان شان در مجلس به افکار عمومی مردم و رسانه‌ها پاسخ‌گو می‌بودند، مطمئن باشید مجلس هیچ‌گاه به این وضعیت که امروز به آن دچار شده است، نمی‌رسید. حتی در مقام قیاس هم مجلس یازدهم با مجلس پیشین که آنها نیز مجالس غیرحزبی بودند، بسیار ضعیف تر است؛ چون با این تعریفی که عنوان کردم، باز عملکرد ادوار پیشین مجلس در حوزه نظارت بر دولت‌ها کارنامه قابل دفاع‌تری از خود به جای گذاشتند.
- در همین زمینه در میان ادوار یازده‌گانه کدام دوره مجلس را در حوزه نظارتی قوی‌تر می‌دانید؟**

به نظر من مجلس پنجم جزء مجالس پرقدرت در حوزه نظارت بود. در دل آن مجلس استیضاح‌های خود صورت گرفت و نمایندگان شجاعی به دنبال مطالبات مردم بودند. مجلس اول هم که کل سرسبد همه مجالس تاریخ جمهوری اسلامی ایران است. پس اینکه ما شاهد این میزان از ضعف عملکرد در مجلس یازدهم هستیم، اولاً به دلیل پایگاه نه‌چندان مطلوب رای آنها در میان مردم است و دوم اینکه همین نمایندگان وامدار سیاسی دو جریان یعنی اصولگرایان و دوم هم دولت رئیس هستند.

- یعنی فشار اصولگرایان و دولت رئیس آن قدر زیاد بوده که باعث این همه جنجال بر سر استیضاح وزیر صمت شده است؟**

به هر حال از طرف این دو جریان فشار زیادی به نمایندگان در حوزه نظارتی وارد می‌شود تا جایی که نمایندگان جرئت استیضاح و عمل به وظیفه نظارتی خود را ندارند؛ پس قادر به تصمیم‌گیری جدی، مصمم و پرقدرتی درباره استیضاح‌کردن یا ستیضاح‌کردن یک وزیر نیستند. کاری به وزیر صمت ندارم؛ اما نمایندگانی که استیضاح وزیری را امضا می‌کنند و بعد با فشارهای سیاسی دولت یا دیگر جریان‌های سیاسی اصولگرا، امضاهای خود را پس می‌گیرند، به‌هیچ‌عنوان قابل اعتماد نیستند و در هیچ حوزه‌ای نمی‌توان رای و گفته‌های آنها را باور کرد.

**درب‌این‌بین شکی در مورد نمایندگان مجلس با محوریت جریان قالیباف و جبهه پایداری را تا چه اندازه مولد این میزان از تشتت آری نمایندگان درباره استضاح می‌دانید؛ چون پایداری بخش مهمی از دولت رئیس را هم در اختیار دارد و نمی‌خواهد پای فاطمی‌امین به استیضاح دوم کشیده شود؟**

اختلاف سیاسی بین جبهه پایداری و جریان قالیباف از ابتدای مجلس یازدهم وجود داشته و اکنون هم ادامه پیدا خواهد کرد. اتفاقا با توجه به آخرین انتخابات هینترنیسه مجلس یازدهم که حدود یک ماه دیگر برگزار می‌شود، این اختلافات تشدید هم خواهد شد. اینجا یک وزن‌کشی دیگر هم بین قالیبافی‌ها و پایداری‌ها شکل خواهد گرفت؛ اما در مجموع در پاسخ به سؤال شما مجلس به دولت اینکه با نفوذ بسیار بالای جریان پایداری مواجه است و تنها پایگاه آنها در مجلس یازدهم نیست، بلکه فشارهایی از سوی این جریان در خارج از مجلس بر نمایندگان وجود دارد. این مجلس را تضعیف کرده است و در آن سو چون قالیباف رئیس یک مجلس قوی نیست، سعی دارد بر همین مجلس اعمال قدرت کند. به‌همین‌دلیل اصطکاک و تنش سیاسی با جریان پایداری شکل می‌گیرد. با تمام این تفاسیر اینکه جالش و شکاف کنونی بر سر استیضاح وزیر صمت تا چه حد متأثر از شکاف سیاسی پایداری‌ها و جریان قالیباف در مجلس است، نمی‌توان ارزیابی قطعی در این زمینه داشت.

- تفسیر به رای از سخنان رهبری درباره اتحاد سه‌قوا را برای تشریح استیضاح‌کردن وزیر صمت از نسوی برخی نمایندگان تا چه اندازه درست می‌دانید؟ آیا درست است که با این تفسیر به رای، مجلس از وظیفه نظارتی خود چشم‌پوشی کند و این‌گونه تلقی شود که اگر نمایندگانی مجلس به دنبال استیضاح وزیر صمت باشند، در مسیر تقابل با رهبری هستند؟**

اینکه با چه منطقی برخی نمایندگان یا سیاسیون چنین چیزی را گفته‌اند، برای من هم سؤال است. اینکه رهبری عنوان کرده است که قوا با همدیگر همدلی و همکاری داشته باشند، نمی‌تواند مبنایی برای کارگذاشتن وظایف نظارتی مجلس باشد. مثلا قانون اساسی هم برای نمایندگان تعیین کرده است که این‌گونه وظیری را به دلیل ناکارآمدی استیضاح کنند. آیا این دلیلی می‌شود که قانون ضد مواضع رهبری است؟! بنابراین هزینه‌کردن برخی جریان‌های سیاسی داخلی مجلس از سخنان رهبری به‌هیچ‌عنوان توجیه‌پذیر نیست. اگر واقعا وزیری فارغ از اینکه وزیر صمت اکنون اسمش در میان است، نتوانندی برای اداره امور کشور در حوزه وزارتی خود را ندارد، اتفاقا

محمد

شریع



عبدالرحمن فتح‌اللهی،وزیر امور خارجه،وزیر امور اقتصادی و صنایع و معادن و وزیر امور خارجه

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ زورآزمایی سیاسی و رسانه‌ای؛ شاید این واژه آیینه تمام‌نمایی از فضای سیاسی این روزهای کشور باشد که به شکل جدی روی دومین استیضاح وزیر صمت تمرکز دارد. از یک سو انتقادها به عملکرد دولت رئیسی به‌ویژه در حوزه اقتصادی و معیشتی فزونی یافته است؛ به‌طوری‌که در همین ابتدای سال چندین استیضاح کلید خورد و وزیر صمت نخستین وزیری است که تا چند روز دیگر باید به مجلس برود و پاسخ‌گوی عملکرد و تصمیماتش باشد. در طرف مقابل هم حامیان دولت نظری متفاوت دارند و در برابر استیضاح فاطمی‌امین مقاومت می‌کنند. حال باید دید در این طناب‌کشی دولت و مجلس بر سر فاطمی‌امین زور کدام‌یک بر دیگری می‌چربد؟ با این حال سناریوی تورم و تداوم نگرانی‌ها نسبت به امکان التهاب شاخص‌ها و چالش تحقق وعده‌های تیم اقتصادی دولت، خیلی زودتر از انتظارات موتور تغییر اجباری در کابینه را با محوریت تیم اقتصادی روشن کرده است؛ چه این تغییرات از مسیر یاستور عبور کند و رئیس جمهوری خود دست به اصلاح بزند و چه به‌راست‌ن نشین‌ها از دالان استیضاح، اصلاح و ترمیم کابینه را به رئیسی تحمیل کنند. فارغ از نکات یادشده، موضوعی که بیش از همه باید مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد، دو قطبی، چندقطبی و شکاف کنونی در فضای سیاسی کشور به واسطه استیضاح یک وزیر است. آیا در این‌میان پارامتر نزدیکی به انتخابات مجلس دوازدهم عامل گسسل فعلی شده است یا دلایل دیگری هم برای فضای موجود میان دولت و مجلس وجود دارد؟ از این‌رو «شرق» در گفت‌وگویی با محمد مهاجری، سعی کرده این آسیب‌شناسی را درباره عملکرد مجلس یازدهم و همچنین دولت دوازدهم از ابعاد مختلف داشته باشد.

همدلی در این است که دولت و مجلس با همدیگر هم‌پیمان شوند و این وزیر ناکارآمد را کنار بگذارند و یک فرد شایسته را جایگزین کند تا…

**انتقافا جناب مهاجری بسیاری از تحلیلگران معتقدند مشکل همین‌جاست؛ چون اولاً اگر متر و معیار ناکارآمدی باشد، به نظر می‌رسد کل کابینه سیزدهم دور انتقاد است؛ کمااینکه خیلی از کارشناسان می‌گویند دولت سیزدهم کارنامه قابل دفاعی تا این لحظه نداشته‌است. از سوی دیگر اگر به دنبال افراد جایگزین مناسب باشیم، به نظر می‌رسد سایه سنگین نفوذ برخی از جریان‌های سیاسی اجازه نمی‌دهد افراد شایسته در پست‌های مناسب خود قرار بگیرند که اگر چنین بود، دولت سیزدهم از همان ابتدا به‌گونه دیگری چیده می‌شد، نه اینکه اکنون شاهد سلسله استعفاها، برکناری‌ها، استیضاح‌ها و… باشیم. چالش‌های فعلی از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا حوزه اجتماعی و… غیر از این را نشان می‌دهد؟**

من معتقدم مسئله در درجه اول به‌ خود رئیس‌جمهور بازمی‌گردد؛ یعنی هم آقای رئیسی و هم آقای احمدی‌نژاد چهره‌های طراز اول سیاسی در کشور نبودند. این افراد کاشانی نبودند که تمرین سیاست‌ورزی در سطح کلان کشور را داشته باشند. آقای احمدی‌نژاد در سطوح میانی و پایینی مانند شهرداری و استانداری فعالیت داشت. آقای رئیسی هم تقریبا هیچ فعالیتی در حوزه سیاسی نداشت و همه حضورش در برهه‌هایی فقط در حوزه قضا بوده است. پس طبیعی است وقتی یک دولت، رئیس‌جمهورش هیچ سابقه سیاست‌ورزی و فعالیت سیاسی‌گراتی را در سطوح عالی نداشت، یک چهره طراز اول سیاسی نیست، نمی‌تواند در کورن بحران‌ها و مشکلات هم موفق ظاهر شود. این دولت به‌خوبی این مسئله را نشان داد. وقتی دولت سیزدهم از خود رئیس‌جمهور تا وزرا، سیاست و سیاست‌ورزی را تمرین نکرده‌اند، مطمئنا بحران‌ها در دیگر حوزه‌ها مانند اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، دیپلماسی و… خود را نشان می‌دهد. برای تشریح درست‌تر این مسئله بگذارید یک مثال بزنم. آقای ضرغامی اکنون وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است که قبلا رئیس صداوسیمو بود. این فرد یک چهره سیاسی قابل اعنا بود؛ یعنی اگر نکویم یک چهره طراز اول بود اما در مقام قیاس با تمام افراد حاضر در دولت سیزدهم از نظر سیاسی عاقل‌تر، فهیم‌تر و دارای وزن بالاتری است؛ اما همین آقای ضرغامی در دولت آقای رئیسی عملا هیچ‌کاره شده است و نقش سیاسی در کابینه سیزدهم ایفا نمی‌کند.
- اما حوزه وزارتی او ارتقا چندانی به کار سیاسی و سیاست‌ورزی ندارد تا او…**

اصلا این‌گونه نیست. ببینید برخی چهره‌ها، ولو آنکه در حوزه‌های وزارتی غیرسیاسی حضور داشته باشند، اما توان و سابقه کار سیاسی پیدا کنند، می‌توانند جایگاه و وزن سیاسی دولت را هم تقویت کنند و سطح آن را بالاتر بیاورند. با توجه به این نکته اگر به شرایط آقای

در گفت‌وگوی محمد مهاجری با «شرق» عنوان شد

بگیرند و دولت کماکان در همان مسیر اشتباه گام بردارد و در عوض

این مجلس باشد که در مقابله با دولت کوتاه آمده است. مطمئنا این رویه به نمایندگان، به خود مجلس و ساختار سیاسی لطمه می‌زند.

**● با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس دوازدهم آیا از این به بعد می‌توان انتظار داشت که روند استیضاح‌ها متفاوت از گذشته در دستور کار نمایندگان قرار بگیرد؟**

من چنین تصویری ندارم؛ چون اکنون ما هم در جریان اصلاح‌طلب و هم اصولگراها شاهد یک رخوت، بی‌میلی و بی‌تفاوتی در قبال انتخابات مجلس دوازدهم هستیم. شما اگر به ادوار پیشین انتخابات نگاه کنید ما شاهد بودیم در ماه‌های منتهی به برگزاری انتخابات چهره‌ها و جریان‌های سیاسی مشخصی تحرکات جدیدی را آغاز می‌کردند؛ اما اکنون این تحرکات به‌هیچ‌وجه دیده نمی‌شود. من معتقدم حتی برخی از چهره‌های اصولگرا هم دیگر تمایلی به حضور در انتخابات مجلس ندارند؛ چون جذایبتی برای آنها ندارد که بخواهند در انتخابات مجلس دوازدهم شرکت کنند و خود را…

**● ولی برخلاف باور شما برخی معتقدند افطاری قالیباف یا ناطق‌نوری، حدادعادل و لاریجانی موتور محرکه انتخابات بود که می‌تواند به اتفاقات بزرگ انتخابات مجلس دوازدهم ختم شود تا جایی که ائتلاف‌های بزرگی از دل این افطاری بیرون خواهد آمد و…**

به نظر من چنین نیست. این فقط یک افطاری ساده بین رؤسای مجلس فعلی، سابق و اسبق بود. واقعا بعید است که بخوایم از دل این افطاری ساده یک تغییر و تحولات شگرف سیاسی و انتخاباتی را بیرون بکشیم. در ضمن اگر قیل از این افطاری یک تحرکات سیاسی، حزبی و جناحی شکل گرفته بود و فضای انتخابات در میان احزاب و به‌خصوص در سنتر جامعه پررنگ شده بود، آن زمان می‌توانستیم موضوع افطاری رؤسای مجلس را هم با رنک و بوی انتخاباتی تعبیر و تفسیر کنیم. پس واقعا باید پرسید برگزاری یک افطاری بین قالیباف، حدادعادل، ناطق‌نوری و لاریجانی در فضای کنونی سیاسی کشور چه برداشت و بهره‌برداری انتخاباتی دارد؟! تکرار می‌کنم ما نباید دو نکته مهم را فراموش کنیم؛ اول اینکه دیگر مجلس و انتخابات آن برای هیچ جریان و چهره سیاسی آش دهان‌سوزی نیست و دوم اینکه مردم انگیزه جدی برای حضور در انتخابات مجلس دوازدهم را ندارند. مشکلات اقتصادی و معیشتی، حوادثی که در شش‌ماه دوم سال ۱۴۰۱ روی داد و

ادامه آن به سال جاری هم کشیده شد، تحریم و دیگر موضوعات اصلا اجازه نمی‌دهد که مردم به موضوع انتخابات مجلس فکر کنند و توجهی به آن نداشته باشند. ما شاهد از بین رفتن پایگاه اجتماعی دولت، مجلس، احزاب و جریان‌ها و چهره‌های سیاسی در کشور هستیم و این موضوع هم شامل اصلاح‌طلبان است و هم اصولگرایان. اکنون، نه بحث انتخابات مجلس دوازدهم بلکه در کل جامعه هیچ رغبتی برای مشارکت سیاسی نشان نمی‌دهد.

**● اتفاقا پیرو آسیب‌شناسی شما اخیرا در توییتی به موضوع شورای نگهان و رد تأیید صلاحیت‌ها اشاره کردید که عباس عبدی در توییتی خطاب به خودتان نوشت: «اکنون مشارکت بالای انتخاباتی با حل ماجل رشد صلاحیت‌ها محقق نمی‌شود. مقدمات زیادی در پیش از آن لازم است. اصولا با شرایط موجود کسی نامزد نمی‌شود که رد شد یا نشود». آیا واقعا شما هم فضای رخوت سیاسی در کشور را تا به این حد پررنگ می‌دانید؟**

من از نگاه خودم به مسئله نگاه می‌کنم. تاکنون هیچ سیگنال مشخص و مثبتی در کشور و در جامعه سیاسی دیده نمی‌شود که خبر از انتخابات پرسروزی برای مجلس دوازدهم بدهد. مقام معظم رهبری در سال جدید در دو مقطع به انتخابات اشاره کردند که یک بار به صورت گذرا از آن رد شدند در و نماز عید فطر هم از جامعه با محبت سخن گفتند. اینها می‌تواند مقدماتی بر گرم‌شدن فضای انتخابات باشند. نهاد‌های مسئول باید از هم‌اکنون شور انتخابات را گرم کرده تا مشارکت و میل و رغبت را در جریان‌های سیاسی پررنگ کنند. ببینید اکنون شورای نگهبان به لحاظ کنش‌سیاست‌شناسی کاملا تعطیل است.

- ولی کنش سیاسی و تحرکات انتخاباتی شورای نگهان با آغاز رسمی انتخابات پررنگ می‌شود نه از همین الان؟**

اتفاقا نکته مهم اینجاست که باید شورای نگهبان از هم‌اکنون با مصاحبه، برگزاری چند جلسه و شنسست خبری و همفکری با جریان‌های سیاسی نگاهش در قبال انتخابات و فضای سیاسی کشور را روشن کند. شما به عنوان روزنامه‌نگار باید از اعضای شورای نگهان بپرسید که چه برنامه و نگاهی به انتخابات مجلس دوازدهم دارند؟ پله شاید اعضای شورای نگهان عنوان کنند که ما کاری نداریم. ما منتظر خواهیم بود تا نامزدها ثبت‌نام کنند و ما صلاحیت آنها را تأیید یا رد کنیم. ولی واقعا مسئله فراتر از اینهاست. باید از هم‌اکنون سیاست شورای نگهان در قبال انتخابات روشن شود که آیا قرار است بسان ادوار گذشته دوباره شاهد تکت‌نگاری باشیم یا خیر. من در یک یادداشت کوچکی در کانال تلگرامی خودم به این نکته اشاره کردم از هم‌اکنون برخی افراد نطق‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، توییت‌ها و دیگر موضع‌گیری‌های نمایندگان مجلس و چهره‌های سیاسی در فضای مجازی و حقیقی را که علیه دولت رئیسی انتقاد کرده‌اند، جمع‌آوری می‌کنند و آن را به اداره اسناد شورای نگهبان

می‌رسانند تا در صورت نیاز در اختیار رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گیرد.

- با توجه به مجموعه عملکرد مجلس یازدهم در حوزه نظارتی به نظر می‌رسد در این‌باره مهم، کنگ و ناتوان عمل شده‌است، هم در بحث سؤال از وزرا و هم در رابطه با استیضاح؛ کما اینکه اکنون شاهد یک موضع‌گیری دوگانه و چندگانه در قبال استیضاح وزیر‌صنعت، معدن و تجارت هستیم. عده‌ای از نمایندگان از بازس‌گیری امضاهای استیضاح می‌گویند. برخی این بازس‌گیری امضاها توسط نمایندگان را تکذیب می‌کنند. طیفی معتقد به استیضاح و برکناری هستند. عده‌ای هم با تفاسیر فردی بر این باورند بعد از سخنان رهبری نباید استیضاحی صورت بگیرد. در یک نگاه کلی چرا مجلس یازدهم نتوانست در حوزه نظارتی عملکرد قابل دفاعی داشته باشد؟**

باید مسئله را از نگاه کلان بررسی کرد و به یک وزیر خاص نباید پرداخت. همان‌طور که می‌دانیم مجلس دو وظیفه قانون‌گذاری و نظارت دارد؛ اما هیچ‌کدام از این دو وظیفه نباید خللی در انجام وظیفه دیگری داشته باشد. در این‌باره نمایندگان مجلس یازدهم از ابتدا تمرکز خود را در شکل‌گیری روی قانون‌گذاری گذاشتند و به همین دلیل نتوانستد در حوزه نظارتی موفق عمل کنند. به هر حال

ارسال کنند تا در آنجا این اسناد به یک پیرونده برای رد صلاحیت این افراد تبدیل شود. پس همین الان شورای نگهبان باید نگاه و سیاست خود را روشن کند.

**● اجازه دهید تا در فضای انتخاباتی هستیم این نکته را هم عنوان کنیم که در نوبت پیشین گفت‌وگو با روزنامه «شرق» عنوان داشتید اگر در داخل اصلاحاتی صورت نگیرد شاهد سال سرد انتخابات خواهیم بود. در یادداشتی هم که اخیرا نوشتید دوباره به این موضوع اشاره کردید. بیرو این نکته از روزهای اول سال جاری رویارویی برخی با مردم به نام روزه‌خواری و حجاب شکل گرفت. با بازگشایی مدارس دوباره اتفاقات سال گذشته تکرار شد. از طرف دیگر مسئله معیشت، تورم و همچنین مسائل معیشتی فشارهای آسیب‌پذیر مطرح است. مضافا بحث‌های مرتبط با بازنشتگان، معلمان و دیگر اصناف هم کماکان ادامه دارد. این وضعیت در سال انتخاباتی چه چیزی را نشان می‌دهد؟**

ببینید حتی اگر سال انتخابات هم نبود با هم باید این اتفاقات به دقت مورد بررسی قرار گیرد؛ چون به نظر من یک جریان سیاسی در داخل به عمد می‌خواهد لج مردم را درآورد. واقعا اگر به دنبال این هستیم که نقش دشمن را پیدا کنیم باید در همین اتفاقاتی که شما به آنها اشاره کردید ردیای جریان‌های داخلی را جست‌وجو کنیم. «در شرایط حساس کنونی مطرح‌کردن حجاب به عنوان مسئله و اولویت اصلی کشور، تبدیل موضوعات فرعی به موضوعات اصلی بحران معیشتی مواجه هستند دیگر چرا باید روی موضوع حجاب این‌قدر فشاری کرد و چرا مردم را درآورد و آنها را عصبانی تر کرد؟ ما مشکلات بزرگ‌تری داریم که اول باید به آنها رسیدگی شود. اکنون میزان مصرف سوخت بنزین بیشتر از سقف تولید است و دولت مجبور است با هزینه‌های گزاف آن را وارد کند. با این همه بحران، چالش و مشکل که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند واقعا پرداختن به موضوع حجاب، صرفا اصلی‌کردن موضوعات فرعی است. اینکه موضوع حجاب باید گرفته شود سر جای خود، اما در شرایط کنونی موضوعات اصلی کشور چیزهای دیگری است. ما اکنون به طور مرتب داریم فرصت‌های اقتصادی، تجاری و دیپلماتیک را از دست می‌دهیم که هیچ توجیهی برای آن وجود ندارد. حتی اگر این فرصت‌ها دوباره برگردند جران مافات نمی‌شود. من نمی‌دانم چرا این‌قدر اصرار داریم به مسائلی پرداخته شود که اکنون برای ما اولویت ندارد.

**● به نکته مهمی اشاره و عنوان کردید برخی جریان‌های سیاسی به عمد سعی دارند لج مردم را درآوردند و جامعه را عصبانی کنند. در این رابطه این گزاره مطرح است که با این دست اقدامات تلاش می‌شود که مشارکت به حداقل ممکن برسد تا برخی جریان‌های سیاسی به مجلس راه پیدا کنند. کمااینکه در انتخابات ۹۸ هم شاهد آن بودیم. سال گذشته گفتید که همین جریان‌های سیاسی فعلی در مجلس یک مجلس ۲۰درصدی را هم دارای مشروعیت قانونی می‌دانند. حال با توجه به شرایط کنونی و مسئله مشارکت، برخی از مجلس تکررقمی به لحاظ مشارکت در انتخابات سخن می‌گویند. آیا باز هم واقعا**

می‌توان مجلس پنج یا ۱۰ درصدی را مجلس دانست؟

قطعا برای نظام جمهوری اسلامی ایران مشارکت اولویت دارد و مسئله‌های به نام مجلس پنجم تصدی، ۱۰درصدی یا ۱۵درصدی یک دغدغه‌است. اما در این‌حال برخی جریان‌های سیاسی اهمیتی به میزان مشارکت مردمی نمی‌دهند و سعی می‌کنند تا هر جایی که امکان دارد مشارکت افول پیدا کند که فقط خودشان دوباره قدرت را در دست داشته باشند.

طیفی از این جریان در مجلس فعلی و دولت سیزدهم حضور دارند. پله برای این جریان یک مجلس پنج‌درصدی، ۱۰درصدی یا ۱۵درصدی داشته باشند. این‌ها در واقع مشروعیت قانونی و حقوقی دارد و از نظر قانون اساسی هم با هر میزان مشارکت، مجلس مشروعیت برای پیگیری امور خود را دارد. در همه جای دنیا همین رویه وجود دارد. در کشورهایی که قدمت دموکراسی در آنها بالاست شاید میزان مشارکت چندان پررنگ نباشد، اما این کماش مشارکت به معنای لطمه‌خوردن اعتماد و امنیت عمومی نیست. به دلیل آنکه اگرچه مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند، اما احزاب پرقدرتی در آن کشورها وجود دارند که به طور غیرمستقیم دارند نیازها، مطالبات، خواسته‌ها و انتظارات مردم را در مجلس و دولت پیگیری می‌کنند و همچنین در آنها مشارکت خود باید به رسانه‌ها و مردم پاسخ‌گو باشند. این نوع سیاست‌ورزی تأثیرات جدی در کشورها دارد. اما وقتی در ایران ما چیزی به نام حزب به معنای واقعی کلمه نداریم،

در نتیجه کاهش و افول مشارکت مردم در انتخابات قطعا زبان جدی برای کشور به دنبال دارد. در ضمن نکته مهمی که نباید فراموش کرد این است که ما نباید حضور مردم در برخی مراسم‌ها مانند روز قدس، ۲۲ بهمن و نظایر آن را مترادف مشارکت با لا در انتخابات بدانیم. برخی سعی دارند به عمد این دو موضوع را با هم خلط کنند. مسئله مشارکت مردم در انتخابات چیز دیگری است و حضور جامعه در مراسم‌هایی مانند روز قدس و ۲۲ بهمن و طرفداری از نظام، مسئله‌ای کاملا متفاوت است. لذا اگرچه شاید بسیاری از این افراد با دولت، مجلس و طیف گسترده‌ای از جریان‌های سیاسی زاویه داشته باشند، اما در مراسم‌های نظام شرکت می‌کنند. با این حال، این شرکت به معنای آن نیست که از رئیسی، قالیباف، روحانی یا مسئولی خوششان می‌آید. با این وصف مصادره‌کردن حضور مردمی در این مراسم‌ها جز خودفریبی نتیجه دیگری در بر ندارد؛ یعنی نمی‌توان حضور مردم در این مراسم‌ها را ملکه یا توجیهی برای موضوع مشارکت بالا در انتخابات دانست.

جداى از رئیس‌جمهور که با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود، سایر اعضای دولت و مشخصا تعیین وزرا و ترکیب‌بندی کلی کابینه دست نمایندگان مجلس است. از طرف دیگر مجلس با طرح‌هایی که ارائه می‌کند یا لایوایی که از سوی دولت پیشنهاد می‌شود، مسیر را برای عملکرد دولت مشخص می‌کند؛ چون نهایتا با چکش‌کاری نمایندگان باید طرح‌ها و لایوح به شکل قانون درآید. پس باید هر طرح و لایحه‌ای به دقت بررسی و معلوم شود که آیا این طرح‌ها و لایوح در راستای منافع مردم و مصالح ملی قرار دارند یا خیر؟ آیا مناج آن قابل تأمین است و می‌تواند راهگشا باشد یا نه؟

زمانی که برخی لایوح مهم مانند لایحه بودجه به مجلس می‌رسد و بررسی درست و عمیقی از سوی نمایندگان درخصوص آن انجام نمی‌شود، نتیجه محتوم آن کسری بودجه است. کسری بودجه هم یعنی پیش‌بینی غلط. یعنی ارزیابی، بررسی و برآورد نادرست. یعنی مجلس و دولت نتوانستند برای یک سال پیش‌رو وضعیت کشور را از نظر اقتصادی و معیشتی درست پیش‌بینی کنند و به دنبال راه‌حل‌های جایگزین می‌روند.

**ادامه در صفحه ۳**

محمد

شریع